

رابطه تصویر والدین با تصویر خدا در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله
با نگاهی بر تفاوت‌های سنی و جنسی

**Relationship between Parental Imagery with the Imagery of God in 8 to
12 Year Old Children: Studying Age and Gender Differences**

<https://dx.doi.org/10.29252/jfr.15.3.1>

N. Shisheh bor, B.A.

Department of Psychology, University of Yazd, Yazd, Iran

S. Asadi, Ph.D.

Department of Psychology, University of Yazd, Yazd, Iran

نگار شیشه‌بر

گروه روان‌شناسی، دانشگاه یزد

✉ دکتر سمانه اسعدی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۹۷/۱/۲۳
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۸/۶/۶
پذیرش مقاله: ۹۸/۹/۴

Abstract

People's imagery of God during their childhood, created by their interactions with parents and peers, can affect the development of their religiosity. Therefore, over the past decades, this topic has been studied more than any other religious concept. This cross-sectional study, in the context of a causal-comparative and correlational design, examines the relationship between paternal and maternal imagery with the imagery of God in 8-12 year old children in Yazd. For this purpose, 194 students (98 girls, 95 boys) were selected through multi-stage sampling method.

چکیده

تصویر افراد از خداوند در دوره کودکی شکل می‌گیرد که برگرفته از تجربیات تعاملی آن‌ها با اطرافیان است و می‌تواند بر تحول و شکل‌گیری دین‌داری آن‌ها تأثیرگذار باشد. بنابراین در طول دهه‌های گذشته، این موضوع بیش از هر مفهوم مذهبی دیگری مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش مقطعی، در چارچوب یک طرح علی-مقایسه‌ای و همبستگی، به بررسی رابطه تصویر پدران و مادران والدین با تصویر خدا در کودکان ۸ تا ۱۲ ساله شهر یزد پرداخت. بدین منظور از این جامعه آماری، ۱۹۴ کودک (۹۸ دختر، ۹۵ پسر) به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

✉ Corresponding author: Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Yazd, Yazd, Iran
Email: s.asadi@yazd.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: یزد، صفائیه، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، گروه روان‌شناسی
پست الکترونیکی: s.asadi@yazd.ac.ir

Guided by the researcher, all children responded to the semantic differential parental scale, which assesses the paternal and maternal characteristics of parents and God; designed by Pattin and Casters (1964). Data were analyzed using variance analysis, Pearson correlation and stepwise regression. The results showed a positive and significant relationship between all components of paternal and maternal imagery of parents and God imagery. In general, the components of the mother imagery had a higher correlation with the imagery of God. The results of stepwise regression analysis showed that mother's paternal imagery and maternal imagery had the ability to predict 50% of a positive imagery of God. In addition, the paternal imagery of God was significantly varied at different ages. Another research finding showed that imagery of God was based on maternal features rather than paternal and no significant gender differences were observed.

Keywords: Imagery of Parents, Imagery of God, Children, Development.

تمامی کودکان با راهنمایی مصاحبه‌گر به مقیاس افتراق معنایی والدین و خداوند که به سنجش ویژگی‌های پدرانه و مادرانه والدین و خداوند پرداخته و توسط پاتین و کاسترز طراحی شده، پاسخ دادند.

برای تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد بین تمام مؤلفه‌های تصویر پدرانه و مادرانه والدین و تصویر خداوند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به طور کلی مؤلفه‌های تصویر مادر همبستگی بالاتری با تصویر خداوند داشت. نتایج آزمون رگرسیون گام به گام نیز نشان داد تصویر پدرانه مادر و تصویر مادرانه مادر، از توانایی پیش‌بینی‌کنندگی ۵۰ درصدی تصویر مثبت خداوند برخوردار است. همچنین تصویر پدرانه خدا در سنین مختلف تفاوت معناداری را نشان داد. دیگر یافته پژوهش حاکی از این بود که تصویر خداوند بیشتر مبتنی بر ویژگی‌های مادرانه بود تا پدرانه و در بین دو جنس تفاوت معناداری از این لحاظ مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: تصویر والدین، تصویر خدا، کودکان، تحول.

مقدمه

شاید بتوان گفت یکی از موضوعات اساسی در مورد منشاء مذهب، تصویری است که افراد از خداوند دارند. برخی دیدگاه‌های نظری بر این باورند که ادراک خدا در کودکان مبتنی بر تجربه و درک مفهوم خدا نیست؛ بلکه از روابط با دیگران، به ویژه والدین نشأت می‌گیرد (پالیک^۱، ۲۰۰۱؛ لارنس^۲، ۱۹۹۷؛ شاو^۳، ۲۰۱۶؛ مورپارتی و دیویس^۴، ۲۰۱۲؛ چو و یوتا^۵، ۲۰۱۲؛ هال و فوجیکاوا^۶، ۲۰۱۳). در واقع همه افراد در سنین مختلف برای مفهوم خدا جنبه‌ای انسانی قائل‌اند و از آن‌جایی که مفهوم خدا اولین مفهوم مذهبی است که در ذهن هر کودکی شکل می‌گیرد (شیخی ساری، ۱۳۸۷)، ادراک کودکان نیز از خداوند به همان شیوه‌ای است که انسان را ادراک می‌کنند (بارت و ریچرت^۷، ۲۰۰۳).

از جمله دیدگاه‌های نظری درباره مفهوم خدا نظریه‌های روان‌کاوی است که پژوهش‌های متعددی پیرامون مفهوم خدا را شامل می‌شود. این نظریه‌ها بر اهمیت ناهوشیار و بر نقش سائق‌ها و تجربیات اولیه تأکید دارند. از منظر فروید^۸ (۱۳۹۰، ص ۱۴۳) خدای هرکس تصویری از پدر اوست و رویه شخصی هر فرد نسبت به خداوند به طرز رفتار وی با پدر واقعی خویش بستگی دارد و پا به پای آن تغییر و تبدل می‌یابد. در

واقع خدا فقط یک پدر است با عظمتی به مراتب بیشتر. نتایج شماری از مطالعات در جهت بررسی این نظریه حاکی از اهمیت نقش پدر بر شکل‌گیری این تصویر بود (اسپیلکا و همکاران^۹، ۱۹۷۵). برخی پژوهش‌ها هم بر تأثیر مادر (دیکی، آجگا، کوبیلاک و نیکسون^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ ورگوت و همکاران^{۱۱}، ۱۹۸۱) یا هر دو والد (برکلی و بال^{۱۲}، ۱۹۸۸؛ ریزاتو^{۱۳}، ۱۹۷۹) تأکید کردند. یونگ^{۱۴} (۱۹۲۶؛ به نقل از مورنو^{۱۵}، ۱۳۸۰، ص ۸۹) نیز خداوند را یک کهن‌الگو معرفی می‌کند که در مقام یک کهن‌الگو، تجلی عمیق‌ترین سطح ذهنی ناهوشیار، یعنی ناهوشیار جمعی است.

نظریه‌های شناختی نیز سهم ویژه‌ای در تبیین شکل‌گیری مفهوم خداوند در کودکان دارند. پیاز^{۱۶} (۱۹۳۰) مفهوم جاندارپنداری و نقش ساخته‌پنداری را در تحول تفکر دینی مطرح کرده است. به اعتقاد او کودک به طور طبیعی ریشه وجودی اشیا را در خدا یا بشر جست‌وجو می‌کند و به تدریج با شروع دوره عملیات انتزاعی، به توضیحات برخاسته از تفکر منطقی - علمی روی آورده و مفاهیم دینی با مفاهیم سال‌های پایین‌تر زندگی متفاوت می‌شود (باهنر، ۱۳۹۴). در راستای تحول‌شناختی مفاهیم دینی، برخی پژوهش‌ها نظریه پیاز^{۱۶} را تأیید کرده‌اند (اسکندری، ۱۳۷۳؛ چادنی و کارلسون^{۱۷}، ۱۹۸۴). به عنوان نمونه کیسلینگ و پرر^{۱۸} (۲۰۱۴)، در بررسی میزان دانش کودکان سه تا شش ساله در مورد مفاهیم انسانی (مادر و نوزاد) و خداوند نشان دادند؛ کودکان کم‌سن‌تر خدا را به عنوان مردی در آسمان و کودکان بزرگ‌تر به عنوان عاملی ماوراءالطبیعی ادراک می‌کنند. تام^{۱۹} (۱۹۹۶) هم در پژوهشی نشان داد کودکان ۹ تا ۱۲ ساله در مقایسه با نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله تصور انسان‌انگارانه از خدا دارند و خدا را به صورت محافظ، مشاهده‌گر، پشتیبان اصول اخلاقی و به صورت تصویر مردانه ادراک می‌کنند. کودکان با افزایش سن و گذر از این مرحله به طور معنادار به سمت تفکر انتزاعی و دور شدن از آنترومورفیسیم^{۲۰} گرایش داشتند. اسلاتر^{۲۱} (۲۰۰۴) نیز به یافته‌های مشابهی مبنی بر انسان‌نگاری تصویر خدا در کودکان سنین میانه ۶ تا ۱۲ سال دست یافت. در این راستا فاولر^{۲۲} (۱۹۸۴؛ به نقل از نیومن^{۲۳}، ۲۰۱۱) با ارائه مراحل برای تحول مفاهیم مذهبی (ایمان) مدل روان‌شناختی ارائه‌شده پیاز^{۱۶} را تأیید می‌کند. در مرحله اسطوره‌ای (افسانه‌ای) کودکان ۷ تا ۱۱ ساله مفهوم خدا را معمولاً با اصطلاحات انسان‌انگارانه توصیف می‌کنند؛ به این صورت که خدا هم دارای مقاصد و تعارضات انسانی است، مهربان و دلسوز است و احساس و عمل متقابلی در ارتباط با انسان دارد. در ادامه کودکان با انتقال به دوره عملیات انتزاعی برای تأیید هویت شخصی خود به جست‌وجوی مفهوم خدا می‌پردازند. آن‌ها می‌توانند تصور کنند که خداوند دارای عمق اسرارآمیز و بی‌پایان است که برای آن‌ها قابل درک نیست. در این دوره مسائل مربوط به امور الهی نمادین و آیینی هستند. دکنچی^{۲۴} (۱۹۶۵؛ به نقل از رسول‌زاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۶) نیز به نتایج نسبتاً مشابهی در راستای تحول‌شناختی تصویر خدا در کودکان دست یافت. او معتقد است؛ کودکان ۷ تا ۱۱ ساله غالباً رویکردی اسنادگونه در مورد خداوند اتخاذ می‌کنند، به این صورت که در این کودکان خداوند به صورت مجموعه‌ای از صفات که ماهیتی انسان‌گونه دارند، تلقی می‌شود. تداعی‌های کودکان ۱۱ تا ۱۴ ساله بر محور ویژگی‌های شخصیتی تأکید داشت؛ سرانجام در مرحله درون‌نگری، حدود ۱۴ سالگی قائل بودن ویژگی انسانی برای خداوند ناپدید می‌شود و برداشت مفهوم خدا انتزاعی‌تر می‌گردد. به طور کلی نظریه‌های شناختی بر انسان‌نگاری و غیرانتزاعی بودن تصویر خدا در کودکان سنین میانه تأکید دارند (پیاز^{۱۶}، ۱۹۳۰؛ فاولر، ۱۹۸۴؛ دکنچی، ۱۹۶۵).

نظریه‌های مبتنی بر روابط موضوعی نیز بر این مسأله تأکید دارند که تجربه‌های اولیه ارتباطی می‌توانند نگرش‌های معطوف به دین را تقویت کنند و تأکید بر تأثیر نقش مادر در اعتقادات دینی از سوی پیشگامان نظریه روابط شیء مورد تأیید قرار گرفته است. ریژانو (۱۹۷۴) طبق مدل روابط موضوعی، توجه به این نکته را ضروری می‌داند که تصور افراد از خدا و خود، از قبل در ذهن آنان و بر اساس روابط موضوعی در دوران کودکی شکل می‌گیرد. او اعتقاد دارد تصور هر شخصی از خدا بر اساس تصور فرد از خود و والدین و تصور هر فردی از خود نیز بر اساس تصور از والدین ساخته شده است (صادقی، مظاهری، ملک‌عسکر، ۱۳۸۷). تأثیر والدین بر ادراک مفهوم خدا تا حدی است که در صورت فقدان و مرگ والدین ممکن است دیدگاه کودکان در مورد تصویر خدا تحریف شده و به ارزش‌های معنوی اصلی خود شک کنند (پرنده^{۲۵}، ۱۹۹۷؛ به نقل از پروچسکا^{۲۶}، ۲۰۱۶، ص ۴). به اعتقاد بالبی نیز دلبستگی کودک به والدین به چهره‌های متنوع گسترش یافته، در تمام زندگی پابرجا می‌ماند و گاهی به شکل رمزی به منظور تأمین تماس متجلی می‌شود (منصور و دادستان، ۱۳۸۳) و در طول زندگی افزایش پختگی‌شناختی، سبب می‌شود فرد نسبت به چهره‌های مشاهده‌نشده‌ای مانند خدا دلبستگی پیدا کند که این دلبستگی تداوم نوع دلبستگی کودک به موضوعات اولیه است. در واقع تصویر خدا به تجربیات احساسی از اشکال دلبستگی به خدا اشاره دارد (لارنس، ۱۹۹۷؛ به نقل از دیویس، موربارتی و ماچ^{۲۷}، ۲۰۱۳). ورگوت و همکاران^{۲۸} (۱۹۶۹) دریافتند کودکان تصویری پدران (قدرتمند) یا مادرانه (مراقب و پرورش‌دهنده) یا هر دو را درباره خدا دارند. تصویر مادرانه به عنوان الگوی گرمی، پرورش و محافظت شناخته می‌شود و علاوه بر این ویژگی‌ها شامل ابعاد زنانه پذیرش، گرمی، عطف و مهربانی است، اما تصویر پدران به عنوان صاحب قدرت، پایداری، تسلط، خلاقیت، فعالیت و پویایی ادراک می‌شود؛ بنابراین بر اساس سنجش روانی، بُعد اصلی تصویر پدر قانون و اقتدار است. به طور کلی تصویر والدین یک طرحواره مؤثر شناختی است که از تجربیات شخصی با والدین، و از سوی دیگر از عناصر ساختاری خانواده و جامعه نشأت می‌گیرد و به این شکل رابطه بین پدر و مادر و کودک یکپارچه می‌شود و شامل ابعاد ظاهری و جسمانی (جذابیت، ظرافت و لطافت، قوی بودن و...)، توانایی‌های شناختی (خلاقیت، ذهن منظم، هوش، قدرت قضاوت، بررسی کردن و...)، صفات شخصیتی (صبوری، مهربانی، صمیمیت، حساس بودن، فداکاری، پویایی، ثبات و ...) و ویژگی‌های بین‌فردی (مراقبت، همدلی، برقراری نظم و ترتیب، تعیین قانون و مقررات، تسلط بر امور و...) است که به دلیل تجربیات و ساختار اجتماعی مختلف بین تصویر دو والد تفاوت‌هایی وجود دارد. هم‌چنین این طرحواره‌ها با توجه به سن، جنسیت و جهت‌گیری‌های ارزشی مختلف با هم تفاوت دارند.

در جهت تبیین ارتباط مراقبین اولیه و ادراک خدا پژوهش‌های بسیاری با استفاده از نظریه دلبستگی بالبی انجام شده که اشاره به برخی از آن‌ها در راستای اهداف این پژوهش راهگشاست. این پژوهش‌ها (ی داخلی و خارجی) یافته‌های مشابهی را مبنی بر وجود ارتباط بین سبک دلبستگی و شکل‌گیری تصویر مهربانانه و ایجاد علاقه به خدا یا اضطراب و عدم صمیمیت با خدا را گزارش کرده‌اند. در واقع سبک دلبستگی به والد تبیین‌کننده چگونگی رابطه فرد با خداست. افرادی که به پدر و مادر ایمن هستند، طبق الگوی انطباقی به چهره دلبستگی خدا اعتماد داشته و دلبستگی ایمنی با خدا برقرار می‌کنند (به عنوان نمونه شهابی‌زاده، شهیدی و مظاهری، ۱۳۸۴؛ شهابی‌زاده، ۱۳۹۱؛ نجات، شهابی‌زاده و غباری‌بناب، ۱۳۹۲؛ کرک

پاتریک^{۲۹}، ۲۰۰۵؛ گرانکوویست، میکولینسر، گویرتز و شیور^{۳۰}، ۲۰۱۲؛ رینرت و ادواردز^{۳۱}، ۲۰۰۹ را ببینید). کرک پاتریک (۱۹۹۹؛ ۲۰۰۵؛ به نقل از گرانکوویست، جانگدال و دیکی^{۳۲}، ۲۰۰۷) از نظریه دلبستگی به عنوان چارچوبی برای درک جنبه‌های ارتباطی دین، به ویژه ادراک فرد از داشتن رابطه شخصی با خدای انسان‌انگاره استفاده کرده است. کرک پاتریک و شیور^{۳۳} (۱۹۹۰؛ به نقل از صادقی، مظاهری، ملک عسکر، ۱۳۸۷) نشان دادند افرادی که دلبستگی آن‌ها عاشقانه و مراقبتی بوده، گرایش دارند تصور از خودشان و در نهایت تصورشان از خدا به صورت عاشق و مراقب باشد. کناپ و پلتیر^{۳۴} (۲۰۱۳) نیز در یافته‌های پژوهش خود گزارش کردند طلاق والدین فقط کیفیت دلبستگی پدر - فرزند را تضعیف می‌کند و کیفیت دلبستگی پدر در پیش‌بینی تصویر خدا نقشی ندارد و این در حالی بود که کیفیت دلبستگی مادر - فرزند از طلاق والدین تأثیر پذیرفته و بهترین پیش‌بین برای شکل‌گیری تصویر مثبت از خداوند بود. در نتایج پژوهش دی روس، میدما و ایدما^{۳۵} (۲۰۰۴) ادراک عاشقانه و مراقبتی از خداوند مبتنی بر وجود این ویژگی‌ها در مادر بود. پژوهش‌های دیکی و همکاران (۱۹۹۷) و لوونتال^{۳۶} (۲۰۰۰؛ به نقل از کی و ری^{۳۷}، ۲۰۰۴) نشان داد خدا همانند هر دو والد ادراک می‌شود، ولی خدا در کودکانی که پدرشان حامی تر بود، حمایت‌کننده‌تر تصور شد و در کودکانی که مادرشان قدرتمندتر بود با همین صفت ادراک شد. یافته‌های پژوهش رینرت و ادواردز (۲۰۱۴) حاکی از این بود که ادراک عاشقانه از مفهوم خدا با داشتن مفهوم عاشقانه از خود قابل پیش‌بینی است. همچنین این مفهوم به ویژه در مردان تحت تأثیر دلبستگی به والدین، به خصوص مادر قرار داشت و در واقع مفهوم خدای غیرصمیمی با داشتن دیدگاه غیرصمیمانه نسبت به خود و تجربه مشکلات دلبستگی به پدر ارتباط داشت. به طور کلی پژوهش‌های دلبستگی نشان داده‌اند دلبستگی ایمن به والدین با ادراک عاشقانه، پایدار، کمتر کنترل‌کننده و از لحاظ عاطفی نزدیک‌تر به خدا ارتباط دارد. به همین ترتیب، دلبستگی عاطفی نایمن، تغییرات مذهبی خاص مانند اضطراب و اجتناب از صمیمیت با خداوند را پیش‌بینی می‌کند (لیمک و مایفیلد^{۳۸}، ۲۰۱۱).

شاید ذکر این نکته ضروری باشد که سبک فرزندپروری و روابط والدین با کودکان در خانواده نیز در این مطالعات پرننگ بوده است. به طور کلی خانواده‌های استبدادگرا، سخت‌گیر و محافظت‌کننده موجب اضطراب و اجتناب از صمیمیت با خدا می‌شوند. در حقیقت خانواده‌های مستبد موجب شکل‌گیری خودپنداره منفی در کودکان می‌شوند که این مسأله به انتظارات منفی، ترس از ترک‌شدن و شک در مورد مراقبت و حفاظت از جانب خدا منجر می‌شوند؛ بنابراین اجتناب از خدا افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان داد والدین حمایت‌کننده بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر اعتقاد کودک از خدا داشتند. سبک والدگری حمایت‌کننده ادراک کودکان از خدا را به عنوان حامی و مهربان به واسطه دلبستگی مثبت والد - فرزند پیش‌بینی می‌کرد (نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵؛ مک دونالد، بک، آلیسون و نورس وورتنی^{۳۹}، ۲۰۰۵؛ ابراهیمی و فارویی فیروزی، ۲۰۱۵). همچنین نتایج پژوهش دیکی و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد مقتدر و مراقب (پرورش‌دهنده) بودن والدین خصوصاً مادر موجب ادراک خدا به صورت قدرتمند و پرورش‌دهنده می‌شود. همچنین والدین تنبیه‌کننده و قضاوت‌گر به طور مستقیم بر ادراک این ویژگی‌ها در خدا تأثیر می‌گذارند. با توجه به شواهد ارائه‌شده به نظر می‌رسد تصویر والدین یک واسطه نمادین برای نمایش خداوند است (ورگوت و تمایو^{۴۰}، ۱۹۸۱). در این راستا با توجه به اهمیت تصویر والدین به عنوان یک طرحواره مؤثر شناختی و از سوی دیگر

نقشی که در ناهوشیار، ناشی از تجربیات اولیه تعاملی والدین و کودکان ایجاد می‌شود و نیز تأثیر عناصر ساختاری خانواده و جامعه، به نظر می‌رسد شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین تصویر دو والد و همچنین ارتباطی بین تصویر والدین و خداوند با توجه به سن و جنسیت کودکان وجود داشته باشد. به طور کلی شواهد نشان‌دهنده وجود ارتباط معنادار بین تصویر والدین و تصویر خداوند است (ورگوت و همکاران، ۱۹۶۹؛ دیکی و همکاران، ۱۹۹۷؛ لیمک و مایفیلید، ۲۰۱۱؛ لونتال، ۲۰۰۰؛ دیکی و همکاران، ۲۰۰۶). بیشتر پژوهش‌ها در زمینه تصویر والدین و تصویر خدا، نوجوانان و بزرگسالان را دربر می‌گیرد و شامل کودکان نمی‌شود. در واقع رابطه والد - فرزندی به صورت گذشته‌نگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این مطالعات را می‌توان به علت سوگیری گذشته‌نگر و این موضوع که بیشتر افراد ویژگی‌های منفی والدین را منفی‌تر و ویژگی‌های مثبت را مثبت‌تر به یاد می‌آورند، مورد انتقاد قرار داد (دیکی و همکاران، ۱۹۹۷). یکی از تمرکزهای این پژوهش حذف سوگیری گذشته‌نگر به وسیله مطالعه ادراک کودکان از والدین و خدا در زمان حال است. بررسی پیشینه پژوهشی در ایران نشان داد پژوهش‌هایی درباره تحول‌شناختی مفهوم خدا (ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ اسکندری، ۱۳۷۳؛ نیک‌پور و جوکار، ۱۳۹۰)، تصویر خدا در نوجوانان (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱؛ ابراهیمی، سپاه‌منصور، امامی‌پور، ۱۳۹۳؛ غباری بناب، حدادی کوهسار، نعمتی، ۱۳۹۰)، تصویر خدا در بزرگسالان (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷؛ صادقی، مظاهری، حیدری، ۱۳۸۵)، سبک دلبستگی و مفهوم خدا (نجات، شهابی‌زاده، غباری بناب، ۱۳۹۲؛ نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵؛ سپاه‌منصور، شهابی‌زاده و خوشنویس، ۱۳۸۷؛ فیض‌آبادی و خسروی، ۱۳۸۸) و مفهوم خدا در کودکان دارای ناتوانی هوشی (کاسبی احمد، ۱۳۹۰؛ صمدی، ۱۳۸۵) انجام شده است؛ اما پژوهشی که مستقیماً به بررسی رابطه تصویر والدین با تصویر خدا پرداخته باشد و تفاوت در گروه‌های سنی این مفهوم را بررسی کرده باشد، یافت نشد. بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد، هدف این پژوهش بررسی ارتباط تصویر خدا و تصویر والدین به موازات تجربه کودک از ارتباط با مراقبین اولیه است و مبتنی بر نظریه روابط موضوعی و دلبستگی است؛ همچنین توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های مادرانه یا پدرانه والدین و خداوند داشته است. این پژوهش از منظر شناختی نیز به نظریه پیازه و نظریه‌های مرتبط با انسان‌انگاری تصویر خداوند در کودکان توجه دارد و تأثیر تفاوت‌های سنی بر تحول تصویر والدین و خداوند را بررسی کرده است.

روش

طرح پژوهش: این پژوهش با هدف تعیین رابطه تصویر والدین و تصویر خدا با توجه به تفاوت‌های سنی و جنسیتی انجام شد؛ از این جهت در چارچوب پژوهشی مقطعی و در قالب پژوهش توصیفی و از نوع علی - مقایسه‌ای و همبستگی اجرا شد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه پژوهش تمامی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله شهر یزد بودند که برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شد. برای این منظور از بین دو ناحیه آموزش و پرورش شهر یزد، ناحیه ۲ و در ادامه، از بین مدارس، سه مدرسه دخترانه و سه مدرسه پسرانه به طور تصادفی انتخاب شدند. در نهایت از بین پایه‌های دوم تا ششم هر مدرسه تعدادی از دانش‌آموزان هر کلاس به طور تصادفی به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و گروه نمونه ۱۹۴ نفری (۹۸ دختر، ۹۵ پسر) با

هدایت مصاحبه‌گر مقیاس مورد نظر را تکمیل کردند. لازم به ذکر است اعضای نمونه بر مبنای جدول مورگان و کرجسی^{۴۱} با توجه به تعداد دانش‌آموزان پایه دوم تا ششم مدارس انتخاب شده (حدود ۵۰۰ نفر) و با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود به پژوهش از جمله توجه به ملاک سنی (۸ تا ۱۲ سال)، موافقت کودک، والدین و معلم برای شرکت در آزمون، انتخاب شدند و در مجموع ۲۱۶ نفر (۱۰۸ دختر، ۱۰۸ پسر) در این پژوهش شرکت کردند، اما در مرحله اجرا به دلیل اظهار خستگی، عدم تمایل به ادامه همکاری، پاسخ‌ندادن به برخی سؤالات و ناقص گذاشتن پرسشنامه حجم نمونه در گروه‌ها کاهش یافت و پرسشنامه ۱۰ دختر و ۱۳ پسر معتبر و روا نبود. تعداد گروه نمونه به تفکیک گروه و جنس در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: تعداد گروه نمونه به تفکیک گروه و جنس

سن	تعداد	جنسیت
۸ ساله	۴۳	۲۵ دختر، ۱۸ پسر
۹ ساله	۳۸	۱۶ دختر، ۲۲ پسر
۱۰ ساله	۳۷	۲۱ دختر، ۱۵ پسر
۱۱ ساله	۳۹	۱۷ دختر، ۲۲ پسر
۱۲ ساله	۳۷	۱۶ دختر، ۲۱ پسر
مجموع	۱۹۴	۹۵ دختر، ۹۸ پسر

ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده مقیاس افتراق معنایی والدین^{۴۲} (SPDS) پاتین و کاسترز^{۴۳} (۱۹۶۴) بود. این مقیاس شامل ۳۶ گویه است که نیمی از گویه‌ها شامل ویژگی‌های مادرانه و نیمی شامل ویژگی‌های پدرانه است. موارد به طور تصادفی در مقیاس توزیع شده و برای ارزیابی هر والد و سپس برای سنجش مفهوم خدا ارائه شده‌اند. این مقیاس شامل سه خرده‌مقیاس تصویر مادر، تصویر پدر و تصویر خداست که هر کدام از تصاویر شامل مؤلفه‌های پدرانه و مادرانه می‌شود (فهرست ویژگی‌های مادرانه و پدرانه در پیوست ۱ ارائه شده است). این مقیاس طرحواره‌های شرکت‌کنندگان در مورد ویژگی‌های پدرانه (ویژگی‌های متضمن قدرت) و ویژگی‌های مادرانه (ویژگی‌های متضمن پرورش) والدین و خدا را می‌سنجد. نمره‌گذاری به روش لیکرت بوده و نمرات در دامنه ۰ تا ۴ قرار دارد و شامل گزینه‌های ۰- اصلاً، ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- زیاد و ۴- خیلی زیاد است. SDPS به زبان هلندی ساخته شده (پاتین و کاسترز، ۱۹۶۴) و سپس توسط بونامی (۱۹۶۶) به فرانسوی ترجمه شده و از فرانسوی به انگلیسی بازگردانده شده است (ورگوت و تامایو، ۱۹۸۱، ص ۲۶). ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ، در پژوهش ورگوت و تامایو (۱۹۸۱)، ۰/۸۲، ۰/۷۹ و ۰/۷۵ گزارش شد و در این پژوهش برای تصاویر مادر، پدر و خدا به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۰ و ۰/۸۸ به دست آمد.

به علت اینکه پژوهش از نوع همبستگی و علی-مقایسه‌ای بود، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از ارائه شاخص‌های آمار توصیفی، برای تعیین ارتباط معنادار بین متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون به عنوان پیش‌فرض و سپس از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد. برای بررسی این مسأله که آیا متغیرهای پژوهش در بین گروه‌های سنی و جنسیتی از لحاظ آماری تفاوت معناداری دارند، از آزمون

تحلیل واریانس و آزمون T مستقل بهره گرفته شد. در روند اجرا پس از انتخاب گروه نمونه و مراجعه به مدارس و کسب رضایت‌نامه از والدین و اجازه معلم و تمایل کودکان دفترچه دستورالعمل مورد نیاز به کودکان ارائه شده و آن‌ها با هدایت مصاحبه‌گر جهت ارائه نخستین برداشت‌شان در ارزیابی راهنمایی می‌شدند.

بیان یافته‌ها

به منظور طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها شاخص‌های آمار توصیفی ارائه شده است. در جداول ۲ و ۳ میانگین و انحراف استاندارد میانگین نمرات کودکان در تصویر مادرانه مادر (مجموع نمرات ویژگی‌های مادرانه) و تصویر پدرانه مادر (مجموع نمرات ویژگی‌های پدرانه) و مجموع نمرات ویژگی‌های مادرانه و پدرانه مادر روی هم به عنوان تصویر کلی مادر ارائه شده است (فهرست ویژگی‌های مادرانه و پدرانه در پیوست ۱ ارائه شده است). این اطلاعات درباره پدر و نیز خداوند با همین توضیحات آمده است. علاوه بر این اطلاعات در کل گروه نمونه و همچنین به تفکیک جنسیت و گروه سنی ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در مؤلفه‌های تصویر والدین و خداوند و به تفکیک جنسیت

انحراف استاندارد			میانگین			تصویر والدین و خدا
پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	
۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۴۱	۴/۵۲	۴/۶۸	۴/۶۰	تصویر مادرانه مادر
۰/۵۷	۰/۳۶	۰/۴۸	۴/۳۰	۴/۴۵	۴/۳۷	تصویر پدرانه مادر
۰/۴۸	۰/۳۱	۰/۴۱	۴/۴۰	۴/۵۶	۴/۴۸	تصویر کلی مادر
۰/۵۹	۰/۴۳	۰/۵۳	۴/۲۷	۴/۵۳	۴/۴۰	تصویر مادرانه پدر
۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۴۶	۴/۲۰	۴/۳۹	۴/۳۰	تصویر پدرانه پدر
۰/۴۹	۰/۳۸	۰/۴۵	۴/۲۴	۴/۴۶	۴/۳۵	تصویر کلی پدر
۰/۴۶	۰/۲۶	۰/۳۷	۴/۶۴	۴/۷۰	۴/۶۷	تصویر مادرانه خدا
۰/۳۰	۰/۲۲	۰/۲۶	۴/۷۸	۴/۸۳	۴/۸۰	تصویر پدرانه خدا
۰/۳۵	۰/۲۱	۰/۲۹	۴/۷۱	۴/۷۶	۴/۷۳	تصویر کلی خدا

طبق اطلاعات جدول ۲ در مورد میانگین و انحراف استاندارد تصاویر خدا و والدین به تفکیک جنسیت، بالاترین میانگین در تصویر خدا مربوط به تصویر پدرانه از خداست (۴/۸۰). در بین تصاویر از والدین، بالاترین میانگین مربوط به تصویر مادرانه مادر (۴/۶۰) و پایین‌ترین میانگین مربوط به تصویر پدرانه پدر است (۴/۳۰). در مجموع تصویر کلی مادر و مؤلفه‌های آن، هم به طور کلی و هم در گروه دختران و پسران نسبت به تصویر کلی پدر و مؤلفه‌هایش میانگین بالاتری کسب کرده‌اند. به طور کلی میانگین‌های گروه دختران در تمام تصاویر بالاتر از پسران به دست آمده است. البته با تحلیل بیشتر داده‌ها از طریق آزمون T که نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده، مشخص شد که این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد تصویر والدین و تصویر خدا در سنین ۸ تا ۱۲

تصویر والدین و خدا	ساله ۸		ساله ۹		ساله ۱۰		ساله ۱۱		ساله ۱۲	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تصویر مادرانه مادر	۴/۵۹	۰/۰۶۳	۴/۵۵	۰/۰۶۷	۴/۶۷	۰/۰۶۹	۴/۴۷	۰/۰۶۶	۴/۶۹	۰/۰۶۸
تصویر پدرانه مادر	۴/۳۹	۰/۰۷۴	۴/۴۲	۰/۰۷۸	۴/۴۱	۰/۰۸۱	۴/۲۲	۰/۰۷۷	۴/۴۴	۰/۰۷۹
تصویر کلی مادر	۴/۴۹	۰/۰۶۸	۴/۴۸	۰/۰۷۲	۴/۵۴	۰/۰۷۵	۴/۳۴	۰/۰۷۱	۴/۵۶	۰/۰۷۳
تصویر مادرانه پدر	۴/۴۶	۰/۰۸۱	۴/۳۴	۰/۰۸۶	۴/۵۲	۰/۰۸۹	۴/۲۶	۰/۰۸۵	۴/۳۸	۰/۰۸۷
تصویر پدرانه پدر	۴/۳۹	۰/۰۶۹	۴/۳۰	۰/۰۷۳	۴/۳۲	۰/۰۷۵	۴/۲۲	۰/۰۷۲	۴/۲۶	۰/۰۷۴
تصویر کلی پدر	۴/۴۲	۰/۰۷۵	۴/۳۲	۰/۰۷۹	۴/۴۲	۰/۰۸۲	۴/۲۴	۰/۰۷۸	۴/۳۲	۰/۰۸۰
تصویر مادرانه خدا	۴/۶۹	۰/۰۵۸	۴/۷۲	۰/۰۶۲	۴/۷۱	۰/۰۶۴	۴/۵۸	۰/۰۶۱	۴/۶۳	۰/۰۶۲
تصویر پدرانه خدا	۴/۷۳	۰/۰۴۱	۴/۸۵	۰/۰۴۳	۴/۸۶	۰/۰۴۴	۴/۷۱	۰/۰۴۲	۴/۸۸	۰/۰۴۴
تصویر کلی خدا	۴/۷۱	۰/۰۴۵	۴/۷۹	۰/۰۴۷	۴/۷۹	۰/۰۴۹	۴/۶۵	۰/۰۴۷	۴/۷۶	۰/۰۴۸

طبق اطلاعات جدول ۳ در مورد میانگین و انحراف استاندارد تصویر والدین و خدا در گروه‌های سنی ۸ تا ۱۲ ساله، به طور کلی بالاترین میانگین در تصویر مادرانه خدا مربوط به ۹ ساله‌ها (۴/۷۲) و پایین‌ترین میانگین مربوط به گروه ۱۱ ساله‌ها (۴/۵۸) است. در تصویر پدرانه خدا بالاترین میانگین مربوط به ۱۲ ساله‌ها (۴/۸۸) و پایین‌ترین میانگین مربوط به ۱۱ ساله‌ها (۴/۷۱) بود.

در مجموع میانگین تصویر پدرانه خدا با افزایش سن، به جز در ۱۱ ساله‌ها افزایش یافته است. در بین تصویر والدین بالاترین و پایین‌ترین میانگین در تصویر کلی مادر به ترتیب مربوط به گروه سنی ۱۰ ساله (۴/۵۲) و ۱۱ ساله (۴/۳۲) است. در تصویر کلی پدر بالاترین میانگین (۴/۳۷) مربوط به گروه سنی ۱۰ ساله و پایین‌ترین میانگین مربوط به گروه سنی ۱۱ و ۱۲ ساله (۴/۲۴) است.

در ادامه برای بررسی رابطه تصویر مثبت والدین و تصویر خدا در وهله اول از آزمون همبستگی پیرسون به عنوان پیش‌فرض و سپس از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد. جدول ۴ همبستگی تصاویر پدرانه و مادرانه والدین و خداوند را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون تصویر والدین و خداوند

تصویر والدین	تصویر کلی خدا	تصویر کلی مادر	تصویر کلی پدر	تصویر مادرانه خدا	تصویر پدرانه خدا	تصویر مادرانه مادر	تصویر پدرانه مادر	تصویر مادرانه پدر	تصویر پدرانه پدر
تصویر کلی مادر	**۰/۷۰	۱							
تصویر کلی پدر	**۰/۴۰	**۰/۵۱	۱						
تصویر مادرانه خدا	**۰/۹۳	**۰/۷۰	**۰/۳۹	۱					
تصویر پدرانه خدا	**۰/۸۷	**۰/۶۱	**۰/۳۲	**۰/۶۴	۱				
تصویر مادرانه مادر	**۰/۵۹	**۰/۸۸	**۰/۴۴	**۰/۵۶	**۰/۵۱	۱			
تصویر پدرانه مادر	**۰/۶۸	**۰/۹۳	**۰/۴۸	**۰/۶۴	**۰/۵۹	**۰/۶۵	۱		
تصویر مادرانه پدر	**۰/۴۱	**۰/۵۱	**۰/۹۱	**۰/۴۴	**۰/۳۸	**۰/۴۵	**۰/۴۷	۱	
تصویر پدرانه پدر	**۰/۳۰	**۰/۴۱	**۰/۸۹	**۰/۲۵	**۰/۳۱	**۰/۳۴	**۰/۴۰	**۰/۶۳	۱

**p<۰/۰۱

بین تمام تصاویر والدین و تصویر خدا رابطه معنادار وجود داشت. در بین تصاویر کلی بالاترین همبستگی مربوط به تصویر کلی مادر با تصویر کلی خدا (۰/۷) بود. از بین مؤلفه‌های تصویر مادر تصویر پدران مادر با تصویر مادرانه و پدران خدا همبستگی بالایی داشته و به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۵۹. پایین‌ترین همبستگی در تصاویر کلی مربوط به تصویر کلی پدر با تصویر کلی خدا (۰/۴) بود. از بین مؤلفه‌های تصویر پدر، تصویر پدران پدر با تصویر پدران خدا همبستگی پایینی داشت (۰/۳۱). به طور کلی بین مؤلفه‌های تصویر مادر و تصویر خداوند همبستگی بالایی وجود داشت و بین مؤلفه‌های تصویر پدر و خداوند همبستگی پایینی تری وجود داشت.

جدول ۵: نتایج آزمون رگرسیون گام به گام تصویر

والدین و تصویر خدا

مدل	متغیر	بتا	سطح معناداری	R	R2
۱	تصویر پدران مادر	۰/۶۸۵	۰/۰۱	۰/۶۸۵	۰/۴۶۹
۲	تصویر پدران مادر	۰/۵۱۶	۰/۰۱	۰/۷۱۲	۰/۵۰۸
	تصویر مادرانه مادر	۰/۲۵۹	۰/۰۱		

با توجه به جدول ۵ که نتایج آزمون رگرسیون گام به گام متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، تصویر پدران پدر و تصویر مادرانه پدر نقشی در ادراک تصویر مثبت از خداوند نداشتند و تصویر پدران مادر به تنهایی توانایی پیش‌بینی ۴۶ درصد ادراک تصویر خداوند را داشت. این در حالی است که تصویر پدران مادر و تصویر مادرانه مادر، با هم از توانایی پیش‌بینی‌کنندگی ۵۰ درصدی تصویر مثبت خداوند برخوردار بودند. به این معنا که هرچه کودک مادر خود را با صفات مادرانه مانند مهربان و جذاب و... و با صفات پدران مثل قوی و عادل و... تداعی کند، خداوند را نیز به این صورت تصور می‌کند.

به منظور بررسی تفاوت‌های گروه‌های سنی تصویر خداوند، نتایج تحلیل واریانس در جدول ۶ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول آمده است، تصویر پدران از خدا در سنین مختلف تفاوت معناداری را نشان داد ($P= ۰/۰۱$). به این صورت که این تصویر با افزایش سن نیرومندتر شده است. تصویر مادرانه خدا در سنین مختلف تفاوت معناداری نشان نداد.

جدول ۶: تحلیل واریانس تفاوت گروه‌های

سنی تصویر خداوند

تصویر خدا	درجه آزادی	F ضریب	معناداری	واریانس مشترک	توان آماری
تصویر مادرانه خدا	۴	۰/۹۹	۰/۴۱	۰/۰۲۱	۰/۳۰۹
تصویر پدران خدا	۴	۳/۴۳	۰/۰۱	۰/۰۷۰	۰/۸۴۹
تصویر کلی خدا	۴	۱/۶۸	۰/۱۵۶	۰/۰۳۵	۰/۵۰۹

$P < ۰/۰۵$

در جدول ۷ موارد معنادار مقایسه زوجی گروه‌های سنی در مؤلفه‌های تصویر خداوند ارائه شده است. طبق یافته‌های ارائه‌شده تصویر پدران خدا در ۸ ساله‌ها با اکثر گروه‌های سنی تفاوت معناداری دارد. به نظر می‌رسد ۸ سالگی یک مرحله گذار باشد.

جدول ۷: مقایسه زوجی گروه‌های سنی در مؤلفه‌های تصویر خداوند

تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری*	سن (۲)	سن (۱)	تصویر خداوند
-۰/۱۱۸	۰/۰۴۷	۹	۸	تصویر پدران خدا
-۰/۱۳۳	۰/۰۲۸	۱۰	۸	
-۰/۱۴۶	۰/۰۱۵	۱۲	۸	
۰/۱۳۸	۰/۰۲۴	۱۱	۹	تصویر کلی خدا
۰/۱۵۲	۰/۰۱۴	۱۱	۱۰	
۰/۱۶۶	۰/۰۰۷	۱۲	۱۱	
۰/۱۴۱	۰/۰۳۵	۱۱	۹	
-۰/۱۴۵	۰/۰۳۳	۱۱	۱۰	

* $P < 0.05$

در جدول ۸ نتایج آزمون T مستقل برای بررسی تصویر خدا با توجه به تفاوت‌های جنسیتی ارائه شده است؛ نتایج نشان داد تصویر خداوند با توجه به جنسیت تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۸: نتایج آزمون T مستقل مؤلفه‌های تصویر خدا بر اساس جنسیت

تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	T	مؤلفه‌های تصویر خدا
۰/۰۶۲	۰/۲۴	۱۹۱	۱/۱۵	تصویر مادرانه خدا
۰/۰۴۶	۰/۲۲	۱۹۱	۱/۲۱	تصویر پدران خدا
۰/۰۵۳	۰/۲۰	۱۹۱	۱/۲۷	تصویر کلی خدا

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه تصویر خداوند و تصویر والدین به موازات تجربه کودک از ارتباط با مراقبین اولیه بود و توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های پدران یا مادران این تصویر و تحول آن با توجه به سن کودک داشت. به طور کلی شواهد نشان‌دهنده وجود همبستگی بین جنبه‌های کیفی رابطه کودک با والدین است. تصویر مثبت از مادر نقش مهمی را در شکل‌گیری این مفهوم ایفا می‌کند و کودکان با افزایش سن خدا را قدرتمندتر ادراک می‌کنند. همان‌گونه که در یافته‌های پژوهش عنوان شد، بین تصاویر پدران و مادران والدین و تصویر خدا رابطه معنادار مثبتی وجود داشت. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در راستای بررسی ارتباط تصویر والدین و مفهوم خدا انجام شده که حاکی از وجود ارتباط معنادار بین آن‌هاست (ورگوت و همکاران، ۱۹۶۹؛ دیکی و همکاران، ۱۹۹۷؛ لوونتال، ۲۰۰۰؛ لارنس، ۱۹۹۷؛ شاول، ۲۰۱۶؛ هال و فوجیکوا، ۲۰۱۳؛ مورپارتی و دیویس، ۲۰۱۲؛ صادقی، مظاهری، ملک عسگر، ۱۳۸۷). این مسأله حاکی از رشد تصویر خدا به موازات تجربیات کودک از مراقبان اولیه و تداوم الگوهای ایجادشده در رابطه کودک - والد و تسری آن به روابط دیگر دلبستگی (از جمله دلبستگی به خدا) است (کرک پاتریک، ۱۹۹۰؛ به نقل از تقی یاره، مظاهری و آزاد فلاح، ۱۳۸۴). هم‌چنین این یافته می‌تواند گواهی در تأیید پژوهش‌هایی باشد که به بررسی رابطه سبک دلبستگی به والدین و تصویر مثبت و دلبستگی ایمن به خدا پرداخته‌اند (رینرت و ادواردز، ۲۰۱۴؛ کناب و پلتیر، ۲۰۱۳؛

لیمک و مایفیلد، ۲۰۱۱؛ کرک پاتریک، ۲۰۰۵؛ گرانکوویست، میکولینسر، گویرتز و شیور، ۲۰۱۲؛ رینرت و ادواردز، ۲۰۰۹؛ شهابی‌زاده، شهیدی و مظاهری، ۱۳۸۴؛ شهابی‌زاده، ۱۳۹۱؛ نجات، شهابی‌زاده، غباری بناب، ۱۳۹۲). در واقع افرادی که الگوهای دلبستگی ایمن دارند، تصورشان از خدا مثبت است و خداوند را مهربان، حمایت‌گر و مراقبت‌کننده تصور می‌کنند و در مقابل افرادی که در ارتباط دلبستگی اولیه آسیب دیده‌اند، دیدگاه منفی نسبت به خدا دارند و خدا را دور از دسترس، طردکننده و تنبیه‌کننده تصور کرده‌اند. هم‌چنین می‌تواند حاکی از این موضوع باشد که دلبستگی ایمن به والدین، کودک را در مسیر انطباق با ارزش‌های مذهبی والدین قرار می‌دهد و با نظریه یادگیری اجتماعی باندورا مبنی بر الگوسازی رفتار والدین همخوانی داشته باشد. ارتباط تصویر مثبت از خدا و والدین هم‌چنین با سبک والدگری قابل تبیین است؛ به طور کلی سبک والدگری حمایت‌کننده موجب شکل‌گیری تصویر مثبت و حامی از خدا می‌شود و سبک والدگری استبدادگرا و سخت‌گیر و مسامحه‌کار باعث اضطراب و تصویر منفی از خدا می‌شود (بک، آلیسون و نورس وورتی، ۲۰۰۵؛ نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵؛ ابراهیمی و فارویی فیروزی، ۲۰۱۵). از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که با وجود ارتباط معنادار مثبت بین تصویر والدین و تصویر خدا فقط تصویر مادرانه و پدرانه مادر در کل گروه نمونه توانایی پیش‌بینی تصویر خدا را داشت. به این معنا که هرچه کودک مادر خود را با صفات مادرانه مانند مهربان و جذاب و... به خصوص با صفات پدرانه مثل قوی و عادل و... تداعی کند، خداوند را نیز به این صورت تصور می‌کند. تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که خدا را قدرتمند تصور می‌کنند، هر دو والد به خصوص مادر را قدرتمند و با ویژگی‌های پدرانه در نظر می‌گیرند (دیکی و همکاران، ۱۹۹۷؛ لوونتال، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد تفاوت در جنبه‌های مختلف ادراک خدا از تفاوت در مشارکت والدین نشأت می‌گیرد. یافته اخیر مغایر با نظریه فروید است که تصویر خدا را در نتیجه فرافکنی تصویر پدر می‌داند؛ در واقع ادراک خداوند با ویژگی‌های پدرانه و به صورت قدرتمند مبتنی بر وجود این ویژگی‌ها در مادر است. بر مبنای نتایج ارائه‌شده تصویر مادرانه و پدرانه مادر توانایی پیش‌بینی تصویر خدا را دارا بود.

این یافته از طریق نظریه روابط شیء که بر نقش مادر بر شکل‌گیری تصویر خداوند تأکید می‌کند، قابل توجیه است. مانند وینیکات^{۴۴} (۱۹۵۳) که مفهوم خدا را از جمله اشیای انتقالی در نظر می‌گیرد که در نتیجه تأمین نیازمندی‌های حیاتی کودک توسط مادرش شکل می‌گیرد و هم‌چنین با نظریه شیلدر و پها^{۴۵} (۱۹۴۶)؛ به نقل از وولف^{۴۶}، ۱۳۸۶، ص ۴۵۱) که بر نقش مادر در شکل‌گیری نگرش مذهبی تأکید دارد و اشتیاق و تقرب به خدا را در نتیجه دین‌سنخ مادر می‌داند، همخوانی داشت. اهمیت ویژگی‌های مادرانه (قدرت) و پدرانه (پرورش) تصویر مادر هم‌چنین با توجه به مسائل فرهنگی نیز قابل تبیین است؛ شماری از پژوهش‌ها از جمله لیتون^{۴۷} (۲۰۰۴) که به بررسی تصویر فرهنگی از مادر پرداخته‌اند، نشان دادند بعد اصلی شخصیت مادر شامل علاقه (دوست‌داشتن، مراقبت، قابل اعتماد بودن، کمک‌کردن، گرمی)، کنترل (توانایی کنترل و نظم‌بخشیدن به کودکان، بررسی و اداره امور)، نصیحت‌کردن (آموزش‌دادن، راهنمایی‌کردن و نصیحت‌کردن) می‌شود. هم‌چنین ماهونی و پاول^{۴۸} (۱۹۸۶) بر وجود مسئولیت‌پذیری، فراهم‌کردن آسایش و راحتی، تأثیرگذاری و صبر در مادران تأکید کردند. پژوهش با مطالعات دلبستگی نیز هماهنگی دارد که بر تأثیر نقش والدین به خصوص مادر بر شکل‌گیری تصور از خدا و انطباق بین دلبستگی اولیه به والدین و دلبستگی بعدی به خدا تأکید می‌کند (کرک پاتریک، ۱۹۹۰؛ کتاب و پلتیر، ۲۰۱۳؛ رینرت و ادواردز، ۲۰۱۴). در ایجاد یا

تعیین کیفیت این پیوند عاطفی سه مفهوم (قابل دسترس بودن، پاسخ‌دهنده بودن و تصویر مادرانه)، نقش یگانه و منحصر به فردی ایفا می‌کند و در حقیقت شکل تجربه عشق نسبت به خدا، دقیقاً شبیه دلبستگی کودک - مادر است. این تحقیق با نظریه پیازه و فرضیه انسان‌انگاری خداوند مبنی بر این‌که کودکان قادر به درک انتزاعی از خداوند نیستند و پژوهش‌های مرتبط با آن (چادنی و کارلسون، ۱۹۷۴؛ اسکندری، ۱۳۷۳؛ کسلینگ و پرز، ۲۰۱۴؛ کی و ری، ۲۰۰۴؛ اسلاتر، ۲۰۰۴)^۴ که بر عینی و انسان‌گونه بودن تصویر خدا در کودکان تأکید دارند، همخوانی داشت. از نظر ویژگی‌های شناختی، کودکان این گروه سنی هرچند به تفکر منطقی دست می‌یابند؛ اما این تفکر توانایی محدودی نسبت به گسترش منطقی به مفاهیم انتزاعی دارد. به اعتقاد پیازه کودکان سنین میانه توانایی انجام اعمال منطقی را کسب می‌کنند؛ اما این اعمال را در مورد امور محسوس و عینی انجام می‌دهند (دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴). بر اساس نظریه فاولر نیز (۱۹۸۴)؛ به نقل از نیومن، (۲۰۱۱) کودکان دوره ابتدایی در مرحله اسطوره‌ای قرار دارند و بر این اساس مفهوم خدا را معمولاً با اصطلاحات انسان‌انگارانه توصیف می‌کنند، به این صورت که خدا مقاصد و تعارضات انسانی را داراست، مهربان و دلسوز است و احساس و عمل متقابلی در ارتباط با انسان دارد.

از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش تفاوت تصویر خدا در کودکان سنین مختلف بود و در واقع فقط تصویر پدرانه خداوند با توجه به سن تفاوت معنادار نشان داد. به طور کلی میانگین تصویر پدرانه خدا با بالا رفتن سن افزایش یافته است. یافته اخیر با توجه به مرحله ساخته‌پنداری فنی در نظریه پیازه و قدرت مطلق‌انگاری والدین و این‌که کودکان منشاء مسائل را در بشر جست‌وجو می‌کنند و ویژگی‌های قدرت و دانایی و... را به والدین نسبت می‌دهند، ولی با رشد تفکر عملیاتی و آگاهی از خطاپذیری والدین دلایل ساخته‌پنداری را ترک می‌کنند، قابل تبیین است (باهنر، ۱۳۹۴، صص ۶۴-۶۳). همچنین این موضوع با نتایج پژوهش (هلر^۵، ۱۹۸۶؛ رسول‌زاده طباطبایی، نصیرزاده و خوشبخت، ۱۳۸۵) مبنی بر این‌که کودکان در اواسط کودکی خدا را قدرتمندتر و با خصوصیات مردانه بیشتری ادراک می‌کنند و با توجه به نتایج پژوهش لد، مکینتاش و اسپیلکا^{۵۱} (۱۹۹۸) مبنی بر این‌که کودکان سنین میانه، نسبت به سایر سنین تصویر مردانه‌تری از خداوند دارند، به این صورت که خدا را با ویژگی‌های دربرگیرنده قدرت (مثل قوی‌بودن، استواری، ثبات، تسلط، پویایی) ادراک می‌کنند؛ می‌تواند قابل توجیه باشد. بر اساس نتایج ارائه‌شده در راستای بررسی دقیق‌تر تفاوت‌های سنی در ادراک تصویر پدرانه خدا، این تصویر در کودکان ۸ ساله با سایر گروه‌های سنی تفاوت معنادار داشت. بر این اساس به نظر می‌رسد ۸ سالگی یک دوره گذار و تحول باشد. این یافته بر اساس نظریه گلدمن^{۵۲} قابل تبیین است که ۷ تا ۸ سالگی را مرحله تفکر پیش‌مذهبی یا تفکر مذهبی شهودی نامید. در این مرحله به علت خودمحوری و تک‌کانونی بودن، تفکر مذهبی در کودکان به طور کامل شکل نگرفته است.

در مجموع نتایج این پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنادار بین مؤلفه‌های تصویر پدر و مادر و تصویر خدا بود. در این بین ادراک تصویر مادر به صورت پرورش‌دهنده، خصوصاً به صورت قدرتمند با ادراک این ویژگی‌ها در خدا اهمیت ویژه‌ای داشت. کودکان با افزایش سن خدا را به صورت قدرتمندتر و با خصوصیات مردانه بیشتری ادراک می‌کردند. به طور کلی کودکان مرحله عملیات عینی به علت عدم رشد تفکر انتزاعی تصور انسان‌انگارانه از خدا داشتند، همچنین تصویر خدا با توجه به تفاوت‌های جنسیتی معنادار نبود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش، این موضوع بود که پرسشنامه به طور کلی به سنجش ویژگی‌های مثبت می‌پردازد و ویژگی‌های منفی را شامل نمی‌شود و محدوده سنی گسترده و دقیقی را جهت بررسی تفاوت‌های تحولی و شناختی دربر نمی‌گیرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در بین سنین کودکی تا نوجوانی انجام شود و محدوده سنی وسیع‌تری را شامل شود تا تحول‌شناختی کودکان در ادراک تصویر خداوند بیشتر قابل ملاحظه باشد و همچنین تصویر والدین و خداوند علاوه بر ویژگی‌های مثبت ویژگی‌های منفی را نیز دربر گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------------------------|---|
| 1. Palik | 27. Mauch |
| 2. Lawrence | 28. Vergot et al |
| 3. Shaw | 29. Kirkpatrick |
| 4. Moriarty & Davis | 30. Granquest, Mikulincer, Gewirtz & Shaver |
| 5. Chou & Uata | 31. Reinert& Edwards |
| 6. Hall & Fujikawa | 32. Granquest, Jungdal & Dickie |
| 7. Baret & richert | 33. Kirkpatrick& Shaver |
| 8. Freud | 34. Knabb & Plettier |
| 9. Spilka et al | 35. Deross, Midema & Idema |
| 10. Dickie, Ajega, Kobylak & Nixon | 36. Lowental |
| 11. Vergot et al | 37. Kay & Ray |
| 12. Berkly & Ball | 38. Limke & Mayfield |
| 13. Rizzuto | 39. M.Cdonald, Beck, Alisson& Norswortby |
| 14. Jung | 40. Vergot & Tamayo |
| 15. Morno | 41. Morgan& Krejcie |
| 16. Piaget | 42. Semantic Differential Parent Scale |
| 17. Chadnye & Carlson | 43. Pattin & Custers |
| 18. Kiessling& Perner | 44. Winnicott |
| 19. Tamm | 45. Shildrops |
| 20. Antromorphism | 46. Wulf |
| 21. Slater | 47. Littunen |
| 22. Fawler | 48. Mahoney&pawel |
| 23. Neuman | 49. Slater |
| 24. Deconchy | 50. Heller |
| 25. Prend | 51. Ladd, Macintosh, Spilka |
| 26. Prochaska | 52. Goldman |

منابع

- ابراهیمی، م.، سپاه‌منصور، م.، و امامی‌پور، س. (۱۳۹۳). چگونگی نقش سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی در شکل‌گیری تصور از خدا در دانش‌آموزان دوره متوسطه. *تحقیقات روان‌شناختی*، (۲۲)، ۶، ۸۵-۷۲.
- اسکندری، ح. (۱۳۷۳). بررسی تحول مفهوم خدا در کودکان ۴ تا ۱۲ سال. *فصلنامه تربیت*، (۲)، ۱۰، ۹-۶.

- باهنر، ن. (۱۳۹۴). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- تقی یاره، ف.، مظاهری، م. و آزادفلاح، پ. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، *مجله روان‌شناسی*، ۳۳، ۱۷-۴.
- دادستان، پ. (۱۳۸۷)، ۱۸ مقاله در روان‌شناسی، تهران: سمت.
- ذوالفقاری، ز. (۱۳۹۲). رابطه برداشت دانش‌آموزان ۶ الی ۱۵ ساله شهر تهران از مفهوم خدا با تحول اخلاقی - اجتماعی آنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- خاکساری، ز. و خسروی، ز. (۱۳۹۱). خدا و تصویر مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی و دین*، (۲) ۵، ۹۸-۸۳.
- رسول‌زاده طباطبایی، ک.، نصیرزاده، ف. و خوشبخت، ف. (۱۳۸۵). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خصوصیات دموگرافیک و ادراک کودکان دبستانی از ویژگی‌های والدین بر ادراک آنان از مفهوم خدا. *مجله مطالعات روان‌شناختی*، ۳(۴)، ۸۵-۶۹.
- سپاه‌منصور، م.، شهبازی‌زاده، ف. و خوشنویس، آ. (۱۳۸۷). ادراک دلبستگی کودک، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۴(۱۵)، ۲۶۵-۲۵۳.
- شهبازی‌زاده، ف.، شهیدی، ش. و مظاهری، م. (۱۳۸۵). ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی. *مجله روان‌شناسی*، ۴(۱۰)، ۴۴۰-۴۲۲.
- شهبازی‌زاده، ف. (۱۳۹۱). دلبستگی دوران کودکی و دلبستگی به خدا، مدل حل بحران هویت با توجه به ادراک اهمیت ارزش‌های مذهبی، زن و مطالعات خانواده، ۴(۱۶)، ۱۲۵-۱۰۵.
- شیخی ساری، ح. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای درک مفهوم خدا بین دانش‌آموزان پسر عادی ۷ و ۸ ساله و دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر ۱۴ و ۱۵ ساله شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، م.، مظاهری، م. و حیدری، م. (۱۳۸۵). میزان مذهبی بودن والدین، منابع متفاوت شناخت دینی و تصور از خدا. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۶)، ۱۹۱-۱۷۸.
- صادقی، م.، مظاهری، م. و ملک‌عسکر، س. (۱۳۸۷). خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا. *مجله علوم رفتاری*، ۲(۱)، ۹۶-۸۳.
- صمدی، ع. (۱۳۸۵). مفهوم خدا در بزرگسالان دارای ناتوانی هوشی. *مجله ذهن*، ۲(۲۵)، ۵۳-۳۸.
- غباری بناب، ب.، حدادی کوهسار، ع. و نعمتی، ش. (۱۳۹۰). سلامت روان، تصویر ذهنی از خدا و کیفیت دلبستگی در نوجوانان بزه‌کار. *مجله اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۶(۲۱)، ۱۶-۷.
- فروید، ز. (۱۳۹۰). *توتم و تابو*، تهران: انتشارات نگاه.
- فیض‌آبادی، س. و خسروی، ز. (۱۳۸۸). سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۳(۵)، ۵۴-۳۷.
- کاسبی احمد، پ. (۱۳۹۴). بررسی تحول مفهوم خدا در کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف کم‌بینا. *پژوهش‌های تربیتی*، ۳۰، ۱۰۷-۹۱.
- مورنو، آ. (۲۰۰۱). *یونگ، خدایان و انسان مدرن*، ترجمه م. دهقانی (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رشد.
- منصور، م. و دادستان، پ. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی ژنتیک ۲: از روان‌تحلیلی‌گری تا رفتارشناسی*. (چاپ پنجم). تهران: انتشارات رشد.
- نجات، آ.، شهبازی‌زاده، ف. و غباری بناب، ف. (۱۳۹۲). دلبستگی ادراک‌شده دوران کودکی، فرایند سازشی تصور از خدا و خودپنداشت در مدل سلامت روانی: مدل‌یابی معادلات ساختاری. *روان‌شناسی تحولی: فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۳(۸)، ۱۰، ۲۰۰-۱۸۷.
- نیک‌پور، ر. و جوکار، ب. (۱۳۹۲). تحول مفهوم عامل انسان و غیرانسان بر مبنای نظریه ذهن: بررسی چگونگی اسناد باورهای غلط به انسان، خدا، فرشته و جادوگر. *روان‌شناسی تحولی: مجله روان‌شناسان ایرانی*، ۷(۲۸)، ۳۵۱-۳۳۹.

نوروزی، م. و سپهریان آذر، ف. (۱۳۹۵). مقایسه نظریه ذهن، مفهوم خدا و مفهوم میهن در بین کودکان دارای سبک فرزندپروری متفاوت، *روان‌شناسی شناخت اجتماعی*، ۵(۱)، ۹۱-۸۷-
 وولف، د. م. (۲۰۰۷). *روان‌شناسی دین*. ترجمه م. دهقانی (۱۳۸۹). چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.

- Barrett, J. L. & Richert, R. (2003) Anthropomorphism or preparedness exploring children's god concepts. *Review of Religious Research*, 44(3), 300-312.
- Bahonar, N. (2015). [Teaching religious concepts in line with the Developmental psychology]. Tehran: International Publishing Company [in Persian].
- Birky, I. T., & Ball, S. (1988). Parental trait influence on God as an object representation. *Journal of Psychology*, 122, 133-137.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (1999). *Handbook of attachment: Theory, research and clinical application*. New York: Guilford press.
- Chadnye, W. & Carlson, S. (1984). the Development of concept of god in children, *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*, 145, 137-143.
- Choua, H. T. & Uata, D. (2012). the Impact of parental discipline on the image of God. *Mental Health, Religion & Culture*, 15(7), 677-688.
- Dadsetan, P. (2008). [18 Articles in Psychology]. Tehran: Samt.
- Davis, E. B., Moriarty, G. L., & Mauch, J. C. (2013). God images and god concepts: Definitions, development, and dynamics. *Psychology of Religion and Spirituality*, 5, 51-60.
- Deroos, S. A, Midema, S., & Idema, J. (2004). Influence of maternal denomination, god concepts, and child-rearing practices. on young children god concept. *Scientific Study of Religion*, 43(4), 519-535.
- Dickie, J. R., Eshleman, A, K., Merasco, D. M., Shepard, A., Vander Wilt, & M., Johnson, M., (1997). Parent- child relationships and children's image of god . *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(1), 25- 43.
- Dickie, J. R., Ajega, L. V., Kobylak, J. R., & Nixon, K. M. (2006). Mother, father, and self: Sources of young adults' God concepts. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 45, 57-71.
- Ebrahimi, M., Sepah Mansour, M., & Emami poor, S. (2014). [The role of attachment styles and object relations in shaping the image of God in high school students], *Psychological research*, 6 (22), 85-72 [in Persian].
- Eskandari, H. (1994). Study of the development of God's concept in children aged 4 to 12 years. *Journal of Education*, 10 (2), 6-9 [in Persian].
- Feizabadi, S., and Khosravi, Z. (2009). [Attachment style and image of God among women who want divorce and non-divorced of Kashan]. *Journal of Educational New Thoughts*, 3(5), 37-54 [in Persian].
- Freud, S. (1913). *Tootem ana taboo* (M. Khanjari Trans.). Tehran: Negah.
- Ghoari Bonab, B., Haddadi koohsar, A., & Nemati, Sh. (2011). [Mental health, mental image of God and attachment quality in criminal adolescent]. *Journal of Thought and behavior in clinical psychology*, (6) 21, 7-16 [in Persian].
- Granqvist, P., Mikulincer, M., Gewirtz, V., & Shaver, P. R. (2012). Experimental findings on God as an attachment figure: Normative processes and moderating effects of internal workingmodels. *Journal of Personality and Social Psychology*, 103, 804-818.
- Granqvist, P., Jungdahl, C., & Dickie, J. R. (2007). God is nowhere, God is now here: Attachment activation, security of attachment, and God's perceived closeness among 5-7-year-old children from religious and non-religious homes. *Attachment & Human Development*, 9(1), 55-71.

- Hall, T. W., & Fujikawa, A. (2013). God images and the sacred. In Pargament, K. I. (Editor-in-Chief), J. J. Exline, & J. W. Jones (Associate Eds.), *APA handbook of psychology, religion, and spirituality (Volume 1)* (pp. 277-292). Washington: American Psychological Association.
- Heller, D. 1986. *The children's God*. Chicago: University of Chicago press.
- Kasebi ahmad, P. (2015). Study the development of gods concept in children with moderate mental retardation visually impaired. *Journal of Educational Research*, 30, 91- 107 [in Persian].
- Kay, W. K., & Ray, L. (2004). Concepts of god: the salience of gender and age. *Journal of Empirical Theology*, 17(2), 238-251.
- Khaksari, Z., & Khosravi, Z. (2012). [God and the positive and negative image of him and its relationship with self-esteem and mental health of students]. *Journal of Psychology and Religion*, 5(2), 83-98 [in Persian].
- Kiessling, F., & Perner, J. (2014). God-Mother-Baby: what children think they know. *Journal of Child Development*, 85(4), 1601-1616.
- Kirkpatrick, L. A., and Shaver, P. R. (1990). Attachment theory and religion childhood attachment religious beliefs, and conversion. *Journal for the scientific study of Religion*. 29(1), 315-334.
- Ladd, k. L. Mcintosh, D. N., & spilka, B. (1998). Children god concept: influence of denomination, age, and gender. *Psychology of Religion*, 8(1), 49-56.
- Lawrence, R. T. (1997). "Measuring the image of God: The god image questionnaire and the god image scales". *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-226.
- Limke, A. & Mayfield, P. (2011). Attachment to god: Differentiating the contributions of fathers and mothers using the experiences in parental relationships scale. *Journal of Psychology and Theology*, 39(2), 122-129.
- Litunnen, S. P. (2004). *Cultural image of good mother and a good father in three generation*. Helsinki: Jyvaslyka studiese in education psychology and social research.
- Mahoney, G., Powell, A., & Finger, I. (1986). The maternal behavior rating scale. *Topics in Early Childhood Special Education*, 6(1), 44-56.
- Mcdonald, A., Beck, R., Allison, S., and Norsworthy, L. (2005). Attachment to god and Parents: Testing the correspondence vs compensations hypotheses. *Journal of Psychology and Christianity*, 24(1), 21-28.
- Mansoor, M. & Dadsetan, P. (2004). [Genetic Psychology 2, From Psychoanalysis to Behaviorology]. (Fifth Edition). Tehran: Roshd Publications.
- Moriarty, G. L., & Davis, E. B. (2012). Client God images: Theory, research, and clinical practice. In J. D. Aten, K. A. O'Grady, & E. L. Worthington, Jr. (Eds.), *The psychology of religion and spirituality for clinicians: Using research in your practice* (pp. 131-160). New York: Routledge.
- Morno, A. (2001). *Jung, the gods and the modern man* (D. Mehrjooei Trans.). Tehran: Developmental Publishing.
- Nejat, A., Shahabizadeh, F., & Ghojari bonab, F. (2013). [Perceived Childhood Attachment, Image of god, adaptation process, and self concept in a model of mental health: a Structural Equations Modeling]. *Journal of Woman and family studies*, 38(10), 187-200 [in Persian].
- Nikpour, R., & Joukar, B. (2013). [The Development of the concept of human and non-human agent based on the theory of the mind: the study of false beliefs attribution to human, god, angel and magician]. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 28 (7), 339-351 [in Persian].

- Neuman, M. E. (2011). Addressing children's beliefs through Fowler's stages of faith. *Journal of pediatric nursing*, 26(1), 44-50.
- Nozari, M., Heidari, M., Asgari, A., Moosavinasab, M. (2016). [Experimental Study of the Stages of Faith to God in Children and Adolescents]. *Islam and Psychological Research*, 2(4), 54-27 [in Persian].
- Nowruzi, M., & Sefarian Azar, F. (2016). [Comparison of the theory of mind, the concept of God and the concept of homeland among children with different parenting style]. *Journal of Psychology of social cognition*, 5(1), 91-87 [in Persian].
- Palik, L. E. (2001). "Image of god" and object relations theory of human development: their integration and mutual contribution to development of god-images, god-concepts, and relationship with god. Ph.D. thesis in Psychology. George fox university.
- Pelletier, J. & Knabb, J. (2013). Effects of parental divorce on god image among young adults at a christian university. *Marriage & Family Review*, 49, 231-250.
- Prochaska, J. (2016). *The effect of the death of an immediate family member on a child's perception of god: a mixed methods study*. Ph.D. thesis in theology. Southwest Baptist University.
- Rasool zadeh tabatabaei, K., Nasirzadeh, F., & Khoshbakht, F. (2006). [Study the Predictive Power of Demographic Characteristics and the Perceptions of Primary School Children on Parental Characteristics of Their Perception of the Concept of God]. *Journal of Psychological Studies*, 3(4), 69-85 [in Persian].
- Reinert, D. F., & Edwards, C. E. (2009). Attachment theory, childhood mistreatment, and religiosity. *Psychology of Religion and Spirituality*, 1, 25-34.
- Reinert, D. & Edwards, C. E. (2014). Attachment theory and concepts of god: parent referencing versus self-referencing. *SAGE Open*, 4(4), 1-9.
- Rizzuto, A. (1979). *The birth of the living God: A psychoanalytic study*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Sadeghi, M., Mazaheri, M., & Heidari, M. (2006). [The religious level of the parents, different sources of religious recognition and the perception of God]. *Journal of Family Research*, 6 (2), 178-191 [in Persian].
- Sadeghi, M., Mazaheri, M., & Malek Asgar, S. (2008). Self and others: Important sources of God. *Journal of Behavioral Sciences*, 2(1), 83-96 [in Persian].
- Samadi, A. (2006). [The concept of God in adults with intellectual disabilities]. *journal of mind*, (25), 38-50 [in Persian].
- Sepah Mansoor, M., Shahabizadeh, F., & Khoshnevis, A. (2008). Perceived childhood attachment, adult attachment and attachment to God. *Developmental psychology: Journal of Iranian psychologists*, 4(15), 253-265 [in Persian].
- Shahabizadeh, F. (2012). [Childhood Attachment and Attachment to God, Identity crisis resolution model according to the perception of the importance of religious values]. *Woman and Family Studies*, 4(16). 125-105 [in Persian].
- Shahabizadeh, F., Shahidi, Sh., Mazaheri, M. (2006).). [Perception of the attachment of childhood and its relation to the attachment to God in adulthood]. *Journal of Psychology*, 10 (4). 440-422 [in Persian].
- Shaw, P. W. (2016). Parenting that reflect character of god. *Christian Education Journal*, 13(1), 43-58.
- Sheikhi Sari, H. (2008). A comparative study of the concept of God, 7 and 8-year-old normal male students and male students educable mentally retarded 14 and 15 years in Tehran. MA thesis in Psychology. Allameh Tabatabaei University [in Persian].
- Slater, T. (2004). The develops of children's concept of God. Retrieved January 20, 2018, from <http://www.researchgate.com/papers/slater-children-godconcept.pdf>.

- Spilka, B., Addison, J., & Rosensohn, M. (1975). Parents, self, and God: A test of competing theories of individual-religion relationships. *Review of Religious Research*, 16, 154-165.
- Taghiyareh, F. Mazaheri, M. & Azadfallah, P. (2005). [Study of relationship between self-development level, attachment to God and religious orientation in University Students]. *Psychology Journal*, 33, 4-17 [in Persian].
- Tamm, M. E. (1996). The Meaning of God for children and adolescents: a phenomenographic study of drawings'. *British Journal of Religious Education*, 19(1), 33-44.
- Vergote, A., Tamayo, A., Pasquali, L., Bonami, M., Pattyn, M, R., & Custers, A. (1969). Concept of God and parental image. *Journal for Scientific Study of Religion*, 8(1), 79-87.
- Vergote, A., & Tamay, O. A. (1981). *The parental figures and the representation of God: A psychological and cross-cultural study*. Mouton: The Hague.
- Wulf, D. M. (2007). *Psychology of Religion* (M. Dehghani Tran.). First Edition, Tehran: Development Publishing [in Persian].
- Zolfaghary, Z. (2013). [The relationship between the attitude of 6 to 15 year old students in Tehran from the concept of God with their social- moral development]. MA thesis in Psychology. Payam Noor university of Tehran [in Persian].

پیوست ۱: میانگین ویژگی‌های پدران و مادران والدین و خداوند

ویژگی‌های مادران	پدر	مادر	خدا
صبور بودن	۴/۱۹	۴/۶۰	۴/۹۳
گرم و ملایم بودن	۴/۴۵	۴/۶۵	۴/۷۲
پناهی گرم و مهربان	۴/۶۷	۴/۷۱	۴/۸۶
کسی که مراقب من است	۴/۵۶	۴/۷۵	۴/۸۵
همدردی با غم‌ها	۴/۲۳	۴/۵۵	۴/۶۱
مهربان و عاطفی	۴/۵۰	۴/۷۰	۴/۸۶
صمیمی و خودمانی	۴/۵۱	۴/۶۸	۴/۶۸
کسی که آسایش و راحتی فراهم می‌کند	۴/۵۱	۴/۵۵	۴/۸۵
ظریف و لطیف	۴/۳۷	۴/۶۳	۴/۶۰
کسی که به او احساس نزدیکی می‌کنم	۴/۵۹	۴/۷۲	۴/۶۷
کسی که مرا دوست دارد و برایم فداکاری می‌کند	۴/۷۱	۴/۷۰	۴/۷۱
حساس بودن	۳/۸۶	۴/۲۳	۳/۹۰
کسی که با آغوش باز از من استقبال می‌کند	۴/۳۱	۴/۵۳	۴/۷۲
کسی که همیشه منتظر من است	۴/۳۱	۴/۶۲	۴/۳۸
باهوش و زیرک	۴/۳۸	۴/۴۸	۴/۸۵
کسی که همیشه مرا می‌پذیرد	۴/۴۸	۴/۶۵	۴/۵۳
جذاب بودن	۴/۳۲	۴/۵۳	۴/۷۶
ویژگی‌های پدران			
قوی و پرزور بودن	۴/۴۱	۳/۶۸	۴/۹۳
توانا و قدرت مند بودن	۴/۴۰	۴/۱۵	۴/۹۴
هدایت و راهنمایی	۴/۵۳	۴/۸۱	۴/۷۷
ذهن منظم	۴/۴۸	۴/۵۳	۴/۹۱
خلاقیت	۳/۷۳	۳/۸۵	۴/۸۸
دانش	۴/۰۶	۴/۲۴	۴/۸۹

ادامه پیوست ۱

۴/۸۲	۴/۵۹	۴/۵۳	تسلط به امور زندگی
۴/۸۱	۴/۵۱	۴/۴۰	ثبات و استواری
۴/۸۱	۴/۴۳	۴/۴۰	سخت و محکم
۴/۸۲	۴/۴۰	۴/۱۷	بررسی
۴/۷۷	۴/۶۸	۴/۷۱	حفاظت در برابر خطر
۴/۸۶	۴/۵۷	۴/۴۱	پویایی و فعالیت
۴/۷۱	۴/۴۷	۴/۱۶	تصمیم گیری
۴/۸۲	۴/۲۱	۳/۹۳	تعیین قانون و مقررات
۴/۵۱	۴/۰۲	۳/۷۷	قضاوت
۴/۵۵	۴/۴۳	۴/۶۶	کار و فعالیت
۴/۹۰	۴/۶۷	۴/۳۵	نظم و ترتیب برقرار کردن
۴/۸۷	۴/۶۲	۴/۳۷	اصل و اساس هستی